

أبن رشيق (أبو علي الحسن القيرواني) ،

ت 463هـ / 1071 م .

العمدة في معرفة صناعة الشعر (Ibn Resīk'in) e/-UMDE
 نشر : المطبعة الرسمية ، 83 ، 1282هـ / 67 ، 200100
 م 1866 ، ص 208 .

BIBLIOTHÈQUE NATIONALE

الاسهام التونسي في تحقيق التراث المخطوط : فهرس تحليلي بالمشورات المحققة في تونس والصادرة خلال الفترة - 1860 - 1989 / اعداد عبد الوهاب الدخيل - تونس المؤسسة الوطنية للترجمة والتحقق والدراسات بيت الحكمة ، 1990 (تونس) : دار الغرب الاسلامي (142 ص ، 24 سم - فهرس ومراجع : تحقيق النصوص) - مسفرور : د.م.ك. 9-45-911-9973 . IRCA: 38219

s.25

480. b. Rašīq, a. 'Alī al-Ḥasan b. 'Alī al-Qairawānī (390-456)
1. *Qurādat ad-dahab fī naqd aš'ār al-'arab/aš-Šādilī Bū Yahyā/* T. 1972 *IBN RESI'K EL-KAYREVANI*
 2. *al-'Umda fī maḥāsīn aš-šī'r wa-ādābihī/2 Bde./M. Qarqazān/* B. 1408/1988 *e/-UMDE (Ibn Resīk'in)*
 3. *Ummūdağ az-zamān fī šū'arā' al-Qairawān/M. al-'Arūsī al-Maṭwī,* Bašīr al-Bakkūš/T. - Algier 1406/1986

892.7-1.09

:394

مخلوف (عبد الرؤوف) .
 العمدة لابن رشيق القيرواني / بفلم عبد الرؤوف مخلوف - تونس :
 منشورات دار المعارف للطباعة والنشر والتوزيع ، 1985 ، - 51 ص . : 18 سم .
 - (خلاصة اسماء الكتب : 2) .
 مسفرور : 0,600 د.ت .

ا.ق. 86/1243

شاعر، ادیب و منتقد ادبی در قرن پنجم هجری بود. پدرش رشیق، رومی الاصل و از بردگان آزاد شده قبیله اُزد بود که در محمدیه (مسینه) از شهرهای مغرب به شغل زرگری (صیانت) مشغول بود. ابن رشیق در مسیله متولد شد و دوران کودکی را در زادگاه خود گذراند و تحت نظر پدر فنون زرگری را آموخت و به تحصیل شعر و ادب نیز همت گماشت و به زودی استعداد خود را در این زمینه آشکار ساخت، تا آنجا که قبل از رسیدن به سن بلوغ به سرودن شعر پرداخت. وی پس از فراگیری مقدمات علوم زادگاه خود، در قَیْرَوَان (از نواحی تونس) که آن روز مهد علم و ادب بود، مرحله نوبنی از زندگی علمی خود را با شرکت در محافل ادبی و حلقات درس کسانی چون ابوعبدالله بن جعفر قَزَاز و عبدالکریم بن ابراهیم نَهْشَلِی و دیگر مشاهیر علم و ادب قیروان، آغاز کرد. ابن رشیق یکی از نام آورترین ادبای زمان خود بود. یکی از علل شهرت او تألیف کتاب مهمی در زمینه شعر و ادب است.

نام کامل کتاب: *العُمدة فی معرفة صنایع الشعیر و نقلیه و عُیویه* می باشد. این کتاب از ارزشمندترین آثار ابن رشیق است. ابن رشیق در کتاب *العمدة* به شرح قواعد و فنون شعر عربی همراه با داورهای ماهرانه، به نقل قولهایی از قدما پرداخته است. ابن خلدون ضمن ستودن این کتاب می گوید: اثری است که در فن شعر و شاعری بی همتا است و مؤلف آن حق صناعت شعر را نیک ادا کرده و هیچ یک از متقدمان و یا ادیبانی که پس از وی آمده اند، کتابی بدین سان ننوشته اند. فقطی آن را کتابی منحصر به فرد و تاج سر تمام تألیفات در این زمینه می شمارد. ابن رشیق با استمداد از آراء و نظرات متقدمین، این اثر منسجم و اصیل را خلق کرد و در آن هم نظرات گوناگون را عرضه کرده و هم تمامی جوانب شعر را ماهرانه مورد بررسی قرار داده و با ذکر ابیات، روایات و امثال بسیار، در هر موضوع، به داوری پرداخته است. به طور کلی می توان کتاب را به ۳ بخش عمده تقسیم کرد: ۱) شعر و اقسام و اغراض و منافع و مضرات آن و آراء مختلف در زمینه نقد اشعار؛ ۲) علوم بلاغی و بیان و بدیع؛ ۳) انساب و اخبار و ایام عرب، که جزء مختصری از کتاب را شامل می شود. او در این کتاب بسیاری از آراء قدما را بدون ذکر مأخذ، آورده و به گفته برخی، آن را به تقلید از کتاب *مفتح عبدالکریم نهشلی* نوشته است.

ابن رشیق این اثر را که احتمالاً در اوایل ورود به قیروان تألیف شده به ابن ابی رجال وزیر *مُؤیِّز بن بادیس* (که از حکام و نمایندگان فاطمیان بود) تقدیم کرده است. هر دو جزء کتاب در ۱۹۰۷ میلادی، در مصر به چاپ رسیده و سپس چاپهای متعدد دیگری از

کتاب در روایات قرن دوم هجری فراوان است.

باورِ عموم چنین بوده است که کتاب *علی (ع)* در اختیار امامان زین العابدین، محمد باقر و جعفر صادق (علیهم السلام) بوده است. دو امام اخیر، به تکرار از آن کتاب، روایت می کردند. گفته می شود که این کتاب شامل آگاهی هایی بود که مردم به دانستن آن در ابواب حلال و حرام و فرائض (ارث) و حتی دیه خراش ها نیاز دارند. هم اکنون این کتاب به طور مستقل در دسترس نیست، اما بخشی از احادیث منسوب به آن با موضوعات نماز، روزه، جهاد، معاصی و مناهی، بیع، نکاح و طلاق، اطعمه و اشربه، قضا و شهادت، ارث، حدود و دیات، اخلاق، عقاید و فضائل، قصص انبیاء و روایات باطنی، در تعدادی از منابع حدیثی شیعه منعکس شده است. نتیجه این تحقیقات آن است که این کتاب (به نام *کتاب علی (ع)*) در دسترس دو امام همام قرار داشت و اکنون نزد امام عصر (عج) می باشد و روایات مأخوذه مربوط به آن کتاب و منقول از طریق حضرت علی ابن ابی طالب (ع)، مستقیماً از حضرت رسول اکرم (ص) بیان شده است. نام برخی از این منابع روایی عبارتند از: «*بصائر الدرجات*» ابوجعفر محمد بن حسن بن فرخ قمی صفار (م ۲۹۰ ق)؛ «*الکافی*» ابوجعفر محمد بن یعقوب گلپتی (م ۳۲۹ ق)؛ «*مُزب الایثار*» عبدالله بن جعفر حمیری قمی (اواخر قرن سوم هجری)؛ «*مُروج الذهب*» ابوالحسن علی بن حسین هذلی بغدادی مغروف به *سُغودی* (م ۳۴۶ ق)؛ «*آمالی*»، «*من لا یحضره الفقیه*»، «*خصال*» «*کمال الدین*»، «*عیون اخبار الرضا (ع)*» از ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به *شیخ صدوق* (م ۳۸۱ ق)؛ «*آمالی*» ابوجعفر محمد بن حسن طوسی معروف به *شیخ الطائفة* (م ۴۶۰ ق)؛ «*تفسیر الصیاتی*» از ابوالنصر محمد بن مسعود سلمی سمرقندی (اوایل قرن چهارم هجری)؛ «*تفسیر قمی*» از علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (قرن چهارم هجری)؛ «*وسائل الشیعه*»، از *شیخ حرّ عاملی* (م ۱۱۰۴ ق).

منابع: *کافی*، ۱/۱۶۳/۸؛ *آمالی*، صدوق، ۵۰۹؛ *وسائل الشیعه*،

۴۹۱/۱۷؛ *میراث مکتوب شیعه* از سه قرن نخستین هجری، ۲۲.

حسین عسکری

کتابُ العُمدة — عُمدة ابن بطریق (عُمدة عُیون صحاح الاخبار، دایرة المعارف تشیع، ۴۶۹/۱۱).

کتابُ العُمدة، نام کتابی معروف در شعر و ادب، نوشته ابن رشیق (۳۹۰ - ۴۵۶ ق). ابوعلی حسن بن رشیق قَیْرَوَانِی،

الدكتور عبد الوهاب ابراهيم ابو سليمان
كتابة البحث العلمي، ص 541، 1983، مكتة المكرمة.

(ت ٣٩٥ هـ):

« يتألف الكتاب من عشرة أبواب، تشتمل على ثلاثة وخسين فصلاً، تتناول الموضوعات البلاغية المختلفة من تحديد موضوع البلاغة لفةً واصطلاحاً إلى تمييز جيد الكلام من رديئه، ومعرفة صنعته، وحسن الأخذ وقبحه، إلى ذكر الإيجاز والإطناب والتشبيه، حده وما يستحسن منه، وما يستقبح، وذكر السجع والازدواج، والقول في البديع ووجوهه، وحصر أبوابه وفنونه، وقد بلغت فنون البديع عند أبي هلال خمسة وثلاثين فناً استغرقت من كتابه خمسة وثلاثين فصلاً»^(١).

el-UMDE

وقد أُلّف هذا الكتاب ليسدّ نقص كتاب الجاحظ (البيان والتبيين).
العمدة في صناعة الشعر ونقده: تأليف الحسن بن رشيق القيرواني
(ت ٤٦٣ هـ):

« كتاب يعنى بفنّ الشعر وما يتصل به وبنقده، والنقد... ممتزج بالبلاغة معتمد في كثير من أحكامه عليها، ولذلك جاء كتاب العمدة كتاباً مشحوناً بالحديث عن البلاغة وفنونها.

يتألف كتاب العمدة من جزأين يشتملان على نيف ومائة باب، ويعالج ابن رشيق فيه كثيراً من الموضوعات الأدبية، والقضايا النقدية، كبيان فضل الشعر، والردّ على من يكرهه وشرح موقف الإسلام منه وبيان منافعه ومضاره، ويتعرض فيه للقدمات والمحدثين من الشعراء، وللمكثرين والمقلين منهم، ويتحدث عن الشعر والشعراء وطبقاتهم. »

سرّ الفصاحة: تأليف أبي محمد عبد الله بن محمد بن سعيد بن سنان الخفاجي
(ت ٤٦٦ هـ):

فرق بين لفظي الفصاحة والبلاغة، فالفصاحة عنده خاصة بالألفاظ،

(١) المصدر نفسه، ص ٨٤.

(٢) المصدر نفسه، ص ٨٦.

İBN RƏŞİK, Ebu Əli el-Həson b. Rəşik el-Əzəlî AED
Lwude (v. 463/1061)?

BEYOND THE LINE

*Classical Arabic Literary Critics on the Coherence
and Unity of the Poem*

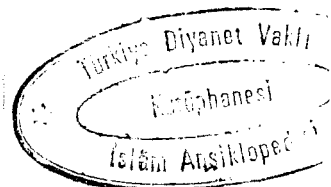
BY

G. J. H. VAN GELDER



Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Kütüphanesi	
Kayıt	2644
Tasnif No. :	

LEIDEN
E. J. BRILL
1982



٤٥٤

(٤٥٤) El-Hmdc

العمدة (٤٥٤) لابن رشيق القيرواني

بصلم

الأستاذ عبدالرؤف مخلوف

الأستاذ المساعد بالمعهد العالي الفنى بالقاهرة

٤٥٦ هـ . وتحقيق ذلك كله مما أطلت مناقشته في رسالتي
« ابن رشيق ونقد الشعر » .

وأما أبوه فرشيق ، كان مولى رومياً من موالى
الأزد ، وكان بعض منافسيه غيره أنه ليس عربياً بالدم
والنسب ، فما زاده ذلك إلا لإصراراً على إعلان أصلته
بالدم في الروم ، وولائه في العرب ، وذلك إذ يقول :

أما أبي فرشيق لست أنكره

قل لي أبوك وصوره من الخشب

ثم قال : « ما أبغى به أباً ، ولا أرضى بملذه منهياً ،
رضيت به رومياً لا دعياً ولا بدعياً ، وهو في هذا يعرض
بابن شرف الجداى الذى قالوا : إن شرفاً اسم لوالدته
وإنه كان مطعون النسب .

وكانت صناعة رشيق صياغة الذهب ، وفي أحضان
هذه الصنعة نشأ الوليد وتفتحت على الذهب عيناه ،
حتى إذا أحس من نفسه ميلاً إلى الأدب نزع من المسيلة
إلى القيروان يدرس على مشيختها في الجامع الكبير ،
ويتلقى عنهم علوم اللغة فلما قال الشعر وقال منه ما رفعه
إلى مصاف الشراء المقدمين وصل حبله بحبل المعز
ابن باديس الصنهاجى حاكم المغرب يومئذ ، وقال فيه من

قلما نقرأ لكاتب معاصر في النقد الأدبى ثم لا نجد
له إشارة إلى كتاب « العمدة في صناعة الشعر ونقله »
أو استشهاداً ببعض ما جاء فيه ، أو تعقيباً على ما عسى
أن يكون ورد في ذلك الكتاب الذى ألفه ابن رشيق
القيروانى في مطلع القرن الخامس الهجرى ، أو في
الربع الأول منه على التحقيق .

وابن رشيق هذا هو أبو على حسن المنسوب إلى
القيروان ، والمولود سنة ٣٩٠ هـ بقرية المسيلة إحدى
قرى المغرب ، وعلى عدة أميال من تونس من جهة
الإسكندرية .

وكانت وفاته سنة ٤٥٦ هـ في مازر بجزيرة صقلية
على التحقيق الراجح .

وأما ما ذهب إليه بعضهم من أنه ولد سنة ٣٨٥ هـ
أو سنة ٣٧٠ هـ ، وأنه مات سنة ٤٦٣ هـ وفي تونس
فلا وجه له لأن أقدم المصادر وهو اللخيرة لابن بسام
ذكر أن مولده كان في المسيلة ونسبه إليها فقال :
« ابن رشيق المسيلي » ، وابن رشيق نفسه يذكر ذلك ،
ويذكر كابن بسام أيضاً أن ولادته كانت سنة ٣٩٠ هـ ،
كما ثبت عندى بأدلته أن وفاته كانت في مازر سنة